

آشوب کور بنزین!

آشوب کور بنزین!

اغتشاش در ایران به بهانه افزایش قیمت بنزین تداعی داستان همافزائی روزانه سه کارگری است که یکی وظیفه داشت گودال بکند و دومی موظف بود داخل گودال لوله بگذارد و سومی وظیفه پُر کردن گودال را عهده داری می‌کرد و کارگران اول و آخر در غیبت نفر دوم نیز لاینقطع کار می‌کردند و یکی گودال می‌کند و دومی پُرش می‌کرد بدون آنکه به «فقدان اصل لوله‌گذاری در خاک» اهمیتی دهند!

هر چند آغاز آشوب بنزین در ایران را باید به حساب اقدام بی‌مبالاتانه دولت گذاشت که بصورتی خلق‌الساعه و بدون اطلاع قبلی و افکار عمومی سازی شهروندان ایران را سورپرایز کرد و هر چند فکتهای سیاسی نیز موید آنست دولت عملگرایان چندان هم بی‌رغبت نیست تا با اتکای تنگنای اقتصادی مبتلابه مردم از قبال تحریم‌ها و توسل به خیابانی کردن اعتراض معیشتی مردم، اهرم فشاری برای تحمیل تسلیم شدگی در پیشگاه «کدخدا» را به قوه عاقله نظام تمهید کند با این توجیه که:

مردم بُریده‌اند و خسته شده و مستاصلند و گریزی جز سازش با آمریکا نیست!

علی‌احال هر چند اقدام ناسنجیده دولت را می‌توان پاس‌خودی به دشمن تلقی کرد و بر این منوال اعتراض اولیه و مشروع و مدنی شهروندان بسرعت توسط اغتشاش‌گران مصادره شد و غوغائیان با عقبراندن معترضین مدنی توانستند ابتکار عمل را در دست گرفته و با توسل به تحرکات ایدائی و اخلاگران و تخریبی شهر را به آتش و آشوب بکشند.

آشوبی که علی‌رغم گستردگی لیکن بصورت قهری محکوم به زوال است! حلقه مفقود در آشوب موجود عدم هم‌افزائی بین «اسلیپ‌رسل‌های کف خیابان» با دیگر قطعات پازل است!

صورت شفاف ماجرا آنست که ترامپ گز نکرده بُرید و قبل از آنکه چاهی بکند دست به رُباش منار زد!

هدف غائی ترامپ از تحریم‌های فلج‌کننده رساندن جامعه شهروندی ایران به نقطه جوش از طریق پمپ بحران معیشت بود تا در ادامه بتواند ماهی مُراد خود را از آن آب گل‌آلود شده صیادی کند!

اما نکته مغفول در «پازل ترامپ» خالی بودن دست وی از آلترناتیو و عنصر جایگزین در فردای آشوب مطمح نظرش بود.

ترامپ به این واقعیت توجه نداشت که اگر CIA در ۱۹۷۱ با فراست توفیق پیدا کرد از طریق بحران معیشت و ارگانایز کردن «جنبش

قابلمه به دست‌ها» دولت انقلابی آینده را در شیلی به زیر بکشد این توفیق را مدیون وجود عنصر تمام کننده‌ای مانند «پینوشه» در سانتیاگو بود گذشته از آنکه پینوشه نیز در آن دسیسه پشتگرم به امدادهای ستاد کودتا در سفارت آمریکا در سانتیاگو بود. همان چیزی که اکنون در ونزوئلا جاری است و آمریکائیان به برکت برخورداری از عنصر تحت امرشان در «کاراکاس» و باز بودن سفارتشان به عنوان کانون فتنه توانسته‌اند با تمهید دوگانه «گوایدو» در مقابل «مادورو» ونزوئلا را با دوزی بالا به آشوب بکشند!

این در حالی است که CIA از ۵۸ تاکنون و از فردای تسخیر و تعطیلی سفارتخانه آمریکا در تهران «یهودی سرگردانی» را می‌ماند که گرانیگاه‌اش برای دخالت مستقیم و موثر در ایران را از دست داده و بالتبع نتوانسته از میانه اپوزیسیون داخلی نیز ژنرال سازی کند و در این میان همه بضاعت CIA یک قلاده «رضا پهلوی» است که در هر بزنگاهی متوسل به وی شده و با بزک و شوآف‌های سیاسی این کوچکزاده‌اش را به نیت «ژنرال‌سازی» بزرگنمایی می‌کند.

پاپتی که برخلاف انتظار CIA فاقد کمترین کاریزما و نفوذ نزد ایرانیان است و به سنت پدرش همه امیدش بازگشت دوپینگ به ایران با اتکای بر الطاف خفیه کاخ سفید است.

من حیث‌المجموع غائله بنزین در ایران چیزی نیست جز آشوبی کور و کارگران بدون حضور عامل سوم صرفاً در حال کندن و پر کردن حفره خالی از محتوایند!

#داریوش سجادی